

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ تیر ۹۱

درس چهاردهم

۲۲ شعبان ۱۴۳۳

ستایش، نامی است که جان‌های آدمیان با آن همانند پوستِ روی استخوان، آمیخته تا ظاهرش نرم و لطیف و درونش محکم و قوی به سوی خالقش رو کند؛ دلش را مأوای حقیقتی کند که به آن می‌نگرد؛ دستش را به سوی او بگشاید و آن دستِ غیب را گواهی دهد؛ گاه جانش در پرده‌ی ابهام به دنبالِ روزنه‌ای باشد و آن روزنه او را با خود هم‌سفر کند؛ سفری که توشه‌ی راه ندارد، توشه‌اش معرفتِ جانی است که همواره در کنارش است. معنای معرفت چیست؟ آیا کلمه‌ای است که بدون شناخت مقامش او را دوست داری؟ نامش را بر زبان می‌رانی ولی درجه‌اش را نمی‌دانی؛ اکنون معمایش را فاش می‌کنیم.

پروردگار عالم امر می‌فرماید: ﴿ای بندگان من به آنچه آفریده‌ام نظر کنید؛ آیا کم و کاستی در آن می‌بینید؟﴾ و ما معترف می‌شویم که آنچه در عالمِ حیات، خلق شده نشان از خالقِ مدبر دارد تا مخلوقاتش به آسودگی از تدبیرش به صحنه‌ی حیات بیایند و بر خوانِ آماده بنشینند، آنچه را می‌پسندند بردارند و با خود همراه کنند پس معمایش، آذوقه‌ای است که از این سفره‌ی گسترده بر می‌داری. حال به خود نظر کن؛ تو از این خوانِ گسترده چه برداشته‌ای؟ گنجی که خالی از جواهرات و سنگ‌های قیمتی است ولی نامش گنج است و خریدارش به آن نظر می‌کند؛ این گنج چه بهایی دارد؟ به ثروتش می‌نگرد؛ توانِ خرید این ثروت بی‌شمار را ندارد؛ درِ جعبه را می‌گذارد و به صاحب گنج می‌گوید: افسوس که نتوانستم آن را تصاحب کنم. چه ثروتی قادر است تا معرفتِ جانی را بخرد که آن جان از سفره‌ی پروردگارش عشق را برگزیده و در راهش متحمل سختی‌های بسیار گردیده، پروردگارش او را دیده و در کتاب آسمانی‌اش فرموده است: ﴿ای انسان، تو در راه پروردگارت رنج فراوان می‌کشی پس پاداش آن را خواهی دید﴾ چه معامله‌ی زیبایی! معرفت درکِ حیاتش را به بهایی

معامله کرد که در آرزویش بود. همواره بر درگه بندگی خالقش گوش به زنگِ فرمان بوده و فرمانبریش همانند غلامی که باردوشِ مولایش است که هر آنچه را که می‌پسندد بر پشتش بار کند و او عاشقانه آن بار را بردارد، صدای نفس‌هایش در سنگینی بارِ پشتش نشان از اطاعتی خالص و بدون درنگ است.

پس دانستید معرفت جانتان در چه درجه‌ای است. اگر مدعی معرفت هستید باید جانی مجروح از اطاعت داشته باشید و اگر خود را از دایره‌اش جدا می‌دانید مانند گدایانی که همواره بر خوانِ دیگران نظر می‌کنند تا شکم گرسنه‌شان را طعامی پر کند، می‌مانید که بدترین صفت انسانی است! زیرا پروردگار عالم فرموده: ﴿ صدقه بر کسانی رواست که از ظاهرشان آنان را نمی‌شناسی، چهره‌ی رنج کشیده‌شان معرفتِ دستِ تهی از رزق است ﴾ پس به خود بنگر که با جانت چه معامله‌ای را پسندیده‌ای؟ اگر همواره طمع بر خوانِ دیگران داری نصیبت همان است که پروردگار عالم فرموده: (سوره‌ی مبارکه حج آیه‌ی ۴۶) ﴿ آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی که با آن ندای حق را بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود. ﴾

و اگر از ذخیره‌ی جانت می‌خوری پس ثروت را پایانی نیست.

در مباحث آینده، به جانی نظر می‌کنیم که از خوان پروردگارش طعامی برداشته که نامش خیر کثیر است.

پس شاکر خالقی هستیم که خورندگانِ سفره‌ی احسان خویش را بدون طعام و نمی‌گذارند؛

بر سر این سفره مهمان شوید تا جانتان را با انوارش از سیاهی و تباهی نجات بخشید.

اللهم عجل لولیک الفرج